

اطلاعیه شماره ۸

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری
به مناسبت احکام حبس غیرقانونی هفت تن از مدافعان حقوق
کارگری

متأسفانه همان گونه که همگان مطلع هستند، اخیراً حکم حبس هفت تن از فعالان کارگری به نام های اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیرحسین محمدی فر، ساناز اللهیاری، امیر امیرقلی و عسل محمدی مجموعاً به بیش از ۱۰۰ سال صادر شده است.

ما ضمن ابراز نهایت هم‌پیمانی با این عزیزان و عرض همدردی با خانواده‌های محترمشان، احکام صادره را محکوم و آن را غیرقانونی اعلام می‌داریم. احکام صادره از سوی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به وضوح نشانگر ترس و وحشت آن از مردم تحت ستم ایران، به ویژه کارگران است. ابعاد اقدامات این رژیم نسبت به اعتراضات به حق و قانونی ا فشار تحت ستم جامعه به ویژه کارگران هفت تپه، نشانگر خصلت پلید و عسبان زده رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی است که می‌داند قدرت را فقط با سرکوب می‌تواند حفظ کند. به عبارت دیگر، در این مقطع از افول سرمایه داری جهانی، رژیم سرمایه داری ایران برای چاپیدن هر چه بیش تر ثروت ملی این کشور، در موقعیت و شرایطی نیست که بتواند کوچک ترین صدای اعتراض به حق را بشنود و هرگونه انتقاد،

اعتراض و صدای مخالفی را تحت عنوان «اقدام علیه امنیت حاکمیت اسلام» تعبیر کرده و با استفاده از اشد مجازات، ظرف این ۴۰ سال یا نیروهای مترقی و پیشرو را نابود کرده و یا به زندان انداخته است. رهبران جمهوری اسلامی با روش های نابودکننده و خفقان آور خود، نشان داده اند که در زیر قدرت حاکمیت آن ها نمی توان و نباید اعتراضات منفرد یا تشکیلاتی را علنی نمود. مبارزات علنی کارگران و سایر اقشار تحت ستم نشان داده است که اگر چه پر شهامت و از خودگذشته بوده و نشانه زنده و فعال بودن نیروهای درون اقشار کارگری است و طبیعتاً مورد حمایت همه نیروهای انقلابی است، اما این اعتراضات نتوانسته قدمی رژیم را به عقب زده و آنان را اندکی به خواسته هایش نزدیک تر کند.

احکام صادره اخیر نسبت به این هفت نفر حاکی از این است که رژیم برای حفظ خود، حاضر است تمام عناصر پیشرو را یا اعدام کرده و یا در زندان به همراه شکنجه جسمی و روحی به حدی نگهدارد که از مغز و وجود انسان چیزی برای مقاومت و مبارزه باقی نماند.

ما ضمن دفاع از مبارزات و استقامت پرقدرت این کارگران، از این روند چنین نتیجه می گیریم که این روش کار در مبارزه با رژیم سرمایه داری ایران بازدهی مطلوب ندارد. یعنی دستاوردهای مبارزات این کارگران در برابر به خطر انداختن زندگی اشان بسیار ناچیز است.

ما بر این عقیده هستیم که یکی از پیروزی های عناصر پیشرو طبقه ی کارگر در مبارزه با بورژوازی، به تله نیافتادن و دستگیر نشدن است تا بتوان مبارزات بعدی را سازماندهی کرد. مبارزه ی طبقاتی در جامعه، مثل مبارزه در میدان جنگ با دشمن است. اگر دشمن قوی تر، مجهزتر و سازماندهی شده تر

بوده و با آمادگی قبلی به میدان بیاید و جبهه ای که مورد تهاجم قرار گرفته همواره پراکنده، بدون برنامه، بدون سازماندهی سراسری باشد، طبیعی است که شکست خواهد خورد.

در این میان خیلی از افراد و گروه هایی هستند که یا از روی نادانی و یا از روی دشمنی، نیروهای پیشروی کارگری ایران را تشویق می کنند تا به این گونه مبارزات علنی و بدون داشتن سازماندهی سراسری و برنامه انقلابی مبادرت ورزند.

اگر این نوع مبارزات از روی ناآگاهی ناشی از نداشتن تشکیلات حزبی و سراسری است، وقت آن رسیده که در این باره به دقت و همت بیش تری پرداخت و روند مبارزه و حاصل آن را از بوته ی آزمایش به تحلیل علمی کشید و بررسی کرد و جمع بندی نمود که آیا این نوع فعالیت های علنی پراکنده که در شرایط حاد حمله رژیم که از هیچگونه پشتوانه ی طبقاتی برخوردار نیست، نتیجه بخش بوده یا نه؟ و اگر نتیجه بخش بوده تا چه اندازه و به چه قیمتی؟ و اگر نتیجه بخش نبوده و یا نتیجه مورد نظر را نداده، پس شاید باید در روش کار تجدیدنظر کرده و فعالیت را متناسب با شرایط کرد. در غیر این صورت پراکنده به جنگ بورژوازی رفتن نه تنها در ایران که در هر کشوری از جهان، با سرکوب روبرو می شود. طبیعی است که منظور از این مبارزات، قهرمان ساختن از خود نباید باشد، بلکه ساختن حزب پیشروی کارگری برای پیشبرد اهداف انقلابی باید مد نظر قرار گیرد. طبیعی است که پیشروی کارگری خود باید زنده بوده و در حبس بورژوازی نباشد تا بتواند مبارزات کارگری را در ابعاد مختلف رهبری کرده تا از آن نتیجه مطلوب را بگیرد. عناصر پیشرویی

که به دام بورژوازی می افتند، طبیعی است که دیگر نمی توانند به خوبی زمانی که آزاد بودند فعالیت داشته و نتیجه بخش باشند.

اگر پیشروی کارگری به وسیله‌ی عناصر مختلف جریانات به اصطلاح مدافع طبقه‌ی کارگر، تشویق به این گونه مبارزات علنی می شود که نتیجه‌ی آن یا از بین رفتن عناصر پیشرو است و یا به زندان افتادن آن ها، پس وقت آن رسیده که این گونه مدافعان طبقه‌ی کارگر را هم در عمق خود شناخت و در چارچوب دوستی، رفاقت، نسبت فامیلی و... در برابر آنان کوتاه نیامد و خط سیاسی آنان را آشکارا به بحث گذاشت تا نیروهای پیشروی درون طبقه‌ی کارگر با ماهیت فکری این گونه عناصر مدافع طبقه‌ی کارگر به خوبی آشنا شده و پرده کشنده روابط دوستانه، رفیقانه و خاتوادگی را کنار زد و این عناصر بیرونی که نشسته و می گویند لنگش کن را از درون ساختار مبارزاتی پیشروی کارگر به بیرون انداخت.

پیشروان مبارز درون اقشار کارگری برای پیشبرد اهداف خود باید حداقل به نکات زیر توجه کنند:

۱. پیشروان کارگری، نه تنها در کف کارخانجات، معادن و محلات کارگری حضور فعال داشته باشند بلکه به ساختن «حزب پیشروی کارگری مخفی» هم مبادرت ورزند. این حزب پیشروی کارگری مخفی سپس می تواند حتی تمام جنبش های خودجوش را در سراسر کشور با هم همراه کرده و با برنامه و پشتیبانی سایر اقشار کارگری سازماندهی نماید.

۲. پیشروان کارگری، به این نتیجه رسیده باشند که قبل از شروع هر مبارزه ای نیاز به سازماندهی گسترده‌ی اقشار کارگری در ابعاد سراسری دارند و برای این منظور باید اول تشکیلاتی را داشته باشند که بتواند با کمک

آن حرکت های سراسری را راه انداخته و در اثر حمله ی رژیم بلافاصله بخش های مختلف کارگری را به حمایت از یکدیگر بلند کنند. در حالی که جنبش سراسری یک حرکت علنی است، اما تشکیلات آن به دلیل وجود سرکوب و دیکتاتوری شدید باید کاملاً مخفی عمل کند.

۳. پیشروان کارگری، حزب پیشروی کارگری مخفی و تشکیلات سراسری مخفی را مترادف هم بسازند زیرا هرگونه حرکت سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی منجر به انقلاب و سرنگونی رژیم خواهد شد و لذا در مقطع انقلاب این حزب پیشروی کارگری مخفی و تشکیلات سراسری مخفی به تبدیل به حزب طبقه ی کارگر می گردد که باید متکی به استراتژی انقلاب سوسیالیستی و برقراری حکومت کارگری یا دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا باشد.

۴. پیشروان کارگری باید بدانند که در این مرحله از مبارزه با رژیم دیگر نمی شود، مقطعی و برای مطالبات روزمره ی دموکراتیک بدون داشتن آمادگی برای برخورد با پلیس بلند شد و پیروزمند بیرون آمد. یعنی کوچک ترین مطالبه ی دموکراتیک وقتی سازماندهی شده و سراسری انجام می گیرد، بلافاصله به جنگ طبقاتی تبدیل می شود. برای مثال اگر تشکیلات سراسری مخفی جنبشی را برای افزایش دستمزدها برای تورم راه بیندازد با چنان سرکوبی از طرف رژیم مواجه خواهد شد که اگر آمادگی برای مقابله به مثل نداشته باشد قطعاً شکست می خورد. اما اگر این حرکت سازماندهی شده بوده و از قبل با طراحی برای مقابله بمثل با رژیم صورت گرفته باشد بلافاصله به انقلاب منتهی می شود. لذا تمام حرکت ها باید محاسبه شده و پی در پی و سیستماتیک (با برنامه قبلی) باشد.

۵. پیشروان کارگری باید بدانند که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به هیچ وجه توان برآورده کردن مطالبات ساده، پیش پا افتاده و به حق اقبال مختلف کارگری (مثل بیکاری، دستمزدهای عقب افتاده، برابری سطح دستمزدها با میزان تورم و غیره) را ندارد زیرا، همه چیز تحت کنترل رژیم می باشد. حتی برای مثال کارخانجات و معادن ملی سابق همه خصوصی شده و به عوامل رژیم مثل پاسداران، بسیجیان، خانواده‌ی شهدا، ساوا و خانواده‌های آخوندها تعلق دارند. پس به همین دلیل برای حفظ منافع کل رژیم، هر حرکتی از طرف اقبال کارگری و تحت ستم با سرکوب هر چه تمام‌تر روبرو خواهد می‌شود. باید برای مبارزه با این سرکوب از پیش برنامه‌ریزی کرده و اقدامات لازم را انجام داد. بدون برنامه و دست خالی و شعار نمی‌توان با جمهوری اسلامی مبارزه کرد. باید برای رهایی از این وضعیت غیرانسانی، خود را آماده‌ی مبارزات سنگین با حمله‌ی پلیس سرکوبگر رژیم نمود.

۶. پیشروان کارگری باید بدانند که تا زمانی که توده‌ای‌ها، اکثریتی‌ها و عناصر «حزب چپ» (از عناصر توده‌ای و اکثریتی شکل گرفته) را شناسایی نکرده و از آن‌ها فاصله نگرفته‌اند، مطمئناً به هیچ عنوان نخواهند توانست در امر مخفی‌کاری موفق باشند. زیرا رهبری حزب توده و اکثریت، از اول انقلاب تا به امروز با «ساوا» همکاری می‌کنند و پیشروی کارگری از طریق این عناصر شناسایی می‌شوند. یک نمونه‌ی ساده از همکاری این خائنین با جمهوری اسلامی ترجمه، چاپ و فروش آثار کلاسیک مارکسیستی است که با تأیید و اجازه‌ی جمهوری اسلامی همراه است. اما همانطور که از گفته‌های سپیده‌قلیان ملاحظه می‌کنیم، همین آثار کلاسیک در خانه‌ی او به عنوان مدرک جرم توقیف شد. این بدان معنا است که حزب توده، اکثریتی‌ها و

«حزب چپ» با نشر و انتشار قانونی این کتاب ها در شناسائی و دستگیری نیروهای انقلابی نقش فعال دارند. این جریانات هم زمان شاه و هم امروزه حتی افراد انقلابی درون تشکیلات خود را هم به دولت های سرمایه داری لو می دهند و تشکیلاتی کاملاً پلیسی و ضدکمونیستی هستند.

۷. پیشروان کارگری همچنین باید متوجه جریاناتی مانند گرایش مازیار رازی-آرام نوبخت/سروش باشند و از آن ها دوری نمایند، زیرا درون این ها هم توده ای ها، اکثریتی ها یا بهتر بگوییم حزب چپی ها حضور دارند. هر چند برای رادیکال نشان دادن خود، بخشی از برنامه و مطالب تراب ثالث را هم بکار برده و از آن ها سوء استفاده می نمایند.

۱۵ سپتامبر ۲۰۱۹

۲۴ شهریور ۱۳۹۸

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری